

اخلاق معاشرت در حکومت مهدوی با محوریت دو مؤلفه تربیت اخلاقی و عدالت‌ورزی

مسلم محمدی*

چکیده

انسان معاصر که در عرصه‌های معرفتی به دلیل گسست‌ها و خلأهای پیش آمده دچار سرگردانی اخلاقی گردیده، به دنبال یافتن معنای زندگی در معاشرت‌های اجتماعی است. اخلاق معاشرت یکی از ساحت‌های اخلاق کاربردی است که در گستره مسئولیت در مقابل دیگران معنا می‌یابد؛ ساحتی که بیانگر وظایف اجتماعی انسان در قبال هم‌نوعان خویش است.

دولت مهدوی بنا بر نص صریح احادیث عهده‌دار اکمال اخلاق است که نمود اصلی آن با توجه به این دست احادیث، با فضای عمومی جامعه مرتبط است.

در این پژوهش تربیت اخلاقی و عدالت‌ورزی - به‌عنوان دو متغیر اساسی حکومت دینی - از جمله مباحث مربوط به اخلاق معاشرت مهدوی است که در سخنان معصومین مورد توجه قرار گرفته است.

در پژوهش پیش‌رو پس از تحلیلی درباره مکتب جامعه‌گرایی غرب، اخلاق معاشرت و انواع مسئولیت، به صورت مورد پژوهی دو مسئله تربیت اخلاقی و عدالت‌ورزی بررسی خواهد شد.

واژگان کلیدی

اخلاق معاشرت، امام مهدی علیه السلام، تربیت اخلاقی، اخلاق نبوی، عدالت‌ورزی.

*. استادیار گروه شیعه‌شناسی و معارف اسلامی پردیس فارابی دانشگاه تهران. mo.mohammadi@ut.ac.ir

این تحقیق در قالب طرح پژوهش با عنوان «الگوشناسی اخلاق کاربردی در گفتمان دینی» (شماره ۰۲ / ۱ / ۲۸۵۱۲) از اعتبارات پژوهشی دانشگاه تهران انجام شده است.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۹/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۹/۱۵

طرح مسئله

تدوین و ترویج ارزش‌های اخلاقی به‌عنوان مهم‌ترین عامل آرام‌بخش در برون‌رفت از گیرودارهای حقوقی پیچیده - که همه احساس ظلم بر خویشتن را در دنیای معاصر دارند - مسئله‌ای حیاتی و سرنوشت‌ساز است. از این‌رو، امروزه بازار منشورنویسی اخلاقی در دنیا از جمله کشور ما بسیار گرم و پر رونق است. خاستگاه این مهم را می‌توان مغرب‌زمین دانست که از قانون‌گذاری ره به جایی نبردند و به همین دلیل به سمت اخلاق آمدند که اصطلاحاً از آن به اخلاق کاربردی، یا در سطح محدودتر آن در حوزه سازمان‌ها، از آن به اخلاق حرفه‌ای یاد می‌کنند.^۱

حتی برخی ادیان بدوی و بشری مانند هندوئیسم و بودیسم با تمرکز بر اخلاق انسانی و تأکید بر کرامت بشری به‌دنبال گسترش خود در میان مردمان دنیايند.

در ادبیات رفتاری و گفتاری اسلام اعم از قرآن یا سخن معصومان، اخلاق حتی از جهاتی مقدم بر اعتقادات است؛ تا آنجاکه پیغمبر فلسفه وجودی بعثت خود را اكمال ارزش‌های اخلاقی برمی‌شمرد. (فیض کاشانی، ۱۳۸۴: ۴ / ۲)

تأکید بر اصول اخلاقی فردی و اجتماعی با تبیین‌های مختلف در زندگی امامان همواره جاری بوده است. این بزرگواران همواره شیعیان را بر این مهم ترغیب می‌کرده‌اند؛ تا جایی که اولین واضح علم اخلاق را از شیعیان دانسته‌اند.^۲ از این‌رو ضرورت دارد این مهم از جنبه‌های مختلف و به‌خصوص با نگاه درون‌دینی بررسی شود.

در این میان حضرت مهدی علیه السلام و دولت موعود او در جایگاه تحقق وعده‌های الهی دارای ارکان لازم کمال‌آفرینی دنیوی و اخروی است. بی‌گمان تبیین ارزش‌های اخلاقی مهدوی در مثبت‌سازی رویکردهای انسان‌ها در دوران معاصر تأثیری بسزا خواهند داشت.

در این‌باره دیدگاه پروفیسور محمد لگنهاوسن درخور تأمل است: به نظر بنده ما هرگاه می‌خواهیم مهدویت را برای غرب مطرح کنیم، باید بر بُعد اخلاقی مهدویت اصرار ورزیم و به آنها نشان دهیم که ما برای برداشتن موانع ظهور باید اخلاق خودمان را اصلاح کنیم و به عنوان پیروان ائمه علیهم السلام باتقوا باشیم. فکر می‌کنم اگر ما بتوانیم این موضوع را به‌خوبی تبیین کنیم تأثیر زیادی داشته باشد.

۱. سازمان جهانی یونسکو در بیانیه‌های متعددی با تأکیدهای فراوان، همه سازمان‌های تحقیقاتی و صنفی را ملزم به تدوین منشور اخلاقی کرده است. بر این اساس سازمان‌هایی که فاقد چنین منشوری باشند، از استاندارد بین‌المللی برخوردار نخواهند شد. برای اطلاع از بیانیه‌های مذکور بنگرید به:

universal declaration on bioethics and human right. October 2005
 ۲. او اسماعیل بن مهران ابی‌نصر سکونی از علمای قرن دوم است که از امام صادق علیه السلام با واسطه و از امام رضا علیه السلام بی‌واسطه نقل حدیث کرده است. نام کتاب او *صفة المؤمن و الفاجر* است. (امین، *تأسیس الشیعه لعلوم الاسلامی*، بحث علم اخلاق)

از این‌رو در این پژوهش برآنیم تا جنبه‌های مردم‌مداری و معاشرتی اخلاقی شخص و دولت مهدوی را از نگاه معصومین علیهم‌السلام بررسی نماییم. اما پرسش اصلی محقق آن است که در وحی بیانی، یعنی سخن معصومین، اخلاق‌مداری معاشرت مهدوی چگونه تبیین شده است؟ به‌خصوص با توجه به رویکردهایی که امروز در مکاتب جامعه‌گرایانه مطرح است.^۱

روند ساختاری پژوهش از این قرار است که پس از اشاره مختصری به اهمیت و جایگاه اخلاق معاشرت، چند موضوع مهم در حوزه اخلاق مهدوی ناظر به ارتباط با مردم و مسئولیت‌پذیری در مقابل جامعه، طرح و ارائه خواهد شد.

اهمیت اخلاق معاشرت

امروزه یکی از مباحث مهم در حوزه فلسفه اخلاق، بحث مسئولیت است که به چهار دسته تقسیم می‌شود: در مقابل خدا، خویشتن، هم‌نوعان و محیط زیست.^۲ در این میان وظیفه در مقابل هم‌نوعان به‌عنوان فراگیرترین مسئله در گستره اخلاق معاشرت مورد بحث قرار می‌گیرد.

اخلاق معاشرت از آن‌رو اهمیت دارد که به نظر بیشتر دانشمندان انسان‌مدنی بالطبع است.^۳ قدیمی‌ترین آثار و شواهد تاریخی حاکی از آن است که بشر پیوسته در اجتماع زندگی کرده و هیچ‌گاه تنها نبوده است. (طباطبایی، بی‌تا: ۵)

نکته مهم آنکه بسیاری از فضایل و ردائیل اخلاقی مانند راست و دروغ، ایثار و گذشت، غیبت و تهمت، امانت و خیانت، عفت و بی‌حیایی، امر به معروف و نهی از منکر و موارد متعددی از شایسته‌ها و ناشایسته‌های اخلاقی، با حضور در اجتماع معنا می‌یابد، نه با انزوا و فردگرایی. به‌خصوص در فرهنگ اسلامی که دین با ارائه اسوه و الگو نیز به معرفی فضایل اخلاقی می‌پردازد، فعل و تقریر رسولان الهی در کنار کتاب آسمانی هر کدام خود به‌نوعی بیانگر مفاهیم اخلاقی‌اند. آیاتی مانند «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب / ۲۱)، «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (حشر / ۷)، «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ» (نساء / ۵۹) و نیز «إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي» (آل عمران / ۳۱)، نمونه آشکاری در این‌باره است که تربیت اخلاقی در دین

۱. در مکتب معروف جامعه‌گرایی مهم‌ترین خاصیت دین، ابزاری بودن آن برای اجتماع است (نه ارزش فی‌ذاته داشتن)؛ برخلاف رویکرد مهدوی که اخلاق معاشرت با مردم در طول مسئولیت در مقابل خداست.

۲. آثار متعددی در سالیان اخیر در این موضوع - به‌خصوص با نگاه تطبیقی اسلام و غرب - تدوین شده است، اما به نظر می‌رسد اثر متأخر استاد جوادی آملی با عنوان *مفاتیح الحیات* (مؤسسه اسراء) که مورد اقبال قرار گرفت، اثر ارزشمندی است که در این حوزه با محوریت انواع مسئولیت‌های انسان از نگاه آموزه‌های اسلامی نگاشته شده است.

۳. کسانی مانند علامه طباطبایی مدنی بودن انسان را برپایه نیازهای بشر به همدیگر می‌دانند، نه طبع و گرایش ذاتی انسان‌ها به یکدیگر.

الگوگرا است.^۱ چه زیبا سعدی تبعیت از الگوی نبوی را به شعر آورده است:

مپندار سعدی تو راه صفا توان رفتن جز در پی مصطفی

نکته دیگر آنکه در منابع و متون دینی و همچنین در نزد اندیشمندان مسلمان، جامعه انسانی از نظر فرهنگ‌مداری اجتماعی - با حفظ اصول ارزشی و اعتقادی - اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا جامعه بستر پیدایش و رشد ادیان الهی است و انسان‌های بزرگی نیز زیر لوای آن بالیده‌اند. از این‌رو همواره تحقق یک جامعه مدنی الهی موعود با محوریت متوازن فرد و اجتماع، خواسته مسلمانان و منتظران بوده است.^۲

این غیر از تفکر جامعه‌گرایان و کسانی مانند امیل دورکیم، بنیان‌گذار مکتب جامعه‌گرایی غرب است که معتقدند روح جامعه به‌طور طبیعی و شبه‌شیمیایی، اخلاق‌ساز و اخلاق‌آفرین است. وی اصالت و هویت را فقط به جامعه می‌داد؛ تا جایی که جامعه و خدا را یکی می‌دانست (پالس، ۱۳۸۲: ۱۸۳) و می‌گفت: آدمیان در توت‌پرستی بدون اینکه خود بدانند، جامعه را می‌پرستند. (آرون، ۱۳۸۲: ۴۰۴) او عملاً دین و اخلاق را بدون هیچ‌گونه تشخیص ذاتی، در پرتو جامعه توجیه می‌نمود.^۳

اما در اخلاق معاشرت اسلامی همه چیز در قالب اصل اعتدال تحقق می‌یابد؛ به این معنا که با حرمت‌گذاردن به هموعان، حرمت خویشتن و محیط زیست را نمی‌توان نادیده گرفت، به‌خصوص اینکه همه اینها در طول مسئولیت در مقابل خدا معنا می‌یابند و این همان اعتدال در رفتار است.

در هر صورت در آموزه‌های اسلامی انسان‌ها در فضای دادوستد و معاشرت در برابر همدیگر حقوق متقابلی دارند که از آن به اخلاق اجتماعی یاد می‌شود.^۴ در عرف و منطق دین از این مسئله به حق‌الناس نیز یاد شده که بیش از حق الله بر آن تأکید شده است.^۵ امام صادق علیه السلام فرمود: ساده‌ترین حقوق این است که آنچه برای خود می‌پسندی یا اکراه داری، برای برادر دینی‌ات نیز چنین باشی. (فیض کاشانی، ۱۳۸۴: ۳ / ۳۵۴)

۱. بنگرید به این اثر نگارنده: «ابعاد هویت‌یابی اخلاق دینی با تأکید بر جنبه‌های کارکردگرایی»، *اندیشه نوین دینی*، ش ۲۷، ص ۸۴.
۲. از میان دانشمندان متقدم اسلامی، دو تن بیش از دیگران به مباحث مربوط به جامعه و انواع مدن پرداخته و آثاری را در این باره تألیف نموده‌اند: یکی ابونصر محمد فارابی مؤلف کتاب *سیاست مدنیه* است و دیگری خواجه نصیرالدین طوسی صاحب *اخلاق ناصری*.

۳. درباره ویژگی‌های مکتب جامعه‌گرایی و نقد آن بنگرید به این اثر نگارنده: *مکتب‌های نسبی‌گرایی اخلاقی*، بوستان کتاب.
۴. شاپان یادآوری است که هرچند مسئله اخلاق اجتماع، کلیت آن از نظر عالمان اسلامی دغدغه‌ای جدی بوده، در عین حال در کنار ندهایی که بر مکاتب اخلاقی نقلی، فلسفی، عرفانی و تلفیقی وارد است (بنگرید به: جمعی از نویسندگان، کتاب *شناخت اخلاق اسلامی*، ص ۶۰)، به نظر نگارنده انحصار بر اخلاق فردی و عدم توجه و طرح دقیق و جامع مسئله اخلاق اجتماعی، از دیگر ایرادات اساسی در این باره است.

۵. درباره این حقوق و وظایف بنگرید به: جواد محدثی، *اخلاق معاشرت*، بوستان کتاب.

امام باقر علیه السلام نیز در حدیثی فرمود: از جمله حقوق مؤمن بر برادر دینی‌اش این است که گرسنگی او را برطرف سازد؛ راز و عیب او را بپوشاند؛ رنج و اندوهش را برطرف سازد؛ قرض او را بپردازد و هرگاه از دنیا رفت، جایگزین او در رسیدگی به وضع خانواده و فرزندانش باشد. (محمّدی ری‌شهری، ۱۴۰۳: ۲ / ۴۸۲) امام علی علیه السلام در نامه ۵۳ *نهج‌البلاغه* به مالک اشتر به او توصیه می‌کند که حرمت همه افراد اعم از مسلمان و غیرمسلمان را نگاه دارد.

در دولت حضرت نیز انسان‌ها مورد تکریم و احترام هستند و شخصیت حقیقی خود را باز خواهند یافت و این بنیادی‌ترین اصل در اخلاق معاشرت مهدوی است، چراکه در وصف دولت او آمده است: «تعظم الامه و يعزهم» (متقی هندی، ۱۴۱۳: ۱۴ / ح ۳۸۷۰۰)؛ مردم بزرگ داشته می‌شوند و عزت می‌یابند. از این‌رو، افراد و جامعه منتظر ضرورت دارد به تکریم و تعظیم انسان‌ها توجه ویژه‌ای داشته باشند.

مؤلفه‌های اخلاق کاربردی دولت مهدوی

تربیت اخلاقی مردم و عدالت‌ورزی به‌عنوان دو اصل اساسی در اخلاق کاربردی مهدوی به صورت مورد پژوهانه بررسی خواهد شد. در انتخاب این دو اصل نکاتی را در نظر داشته‌ایم؛ از جمله اینکه این اصول ناظر به حقوق مردم و بیان تکالیف دولت مهدوی در قبال آنان است، و دیگر آنکه هر دو جنبه نیازهای مادی و معنوی انسان‌ها را دربرمی‌گیرد که این خود وجه تمایز ماهوی دولت آسمانی و الهی با دولت‌های بشری و سکولاریستی است.

تربیت اخلاقی مردم

در حکومت الهی حاکم موظف به تربیت اخلاقی مردم است تا آنها را از جهل به رشد و کمال رهنمون شود؛ همان‌گونه که علی علیه السلام در این باره چهار حق را برای مردم برمی‌شمارد: حق شما بر من این است که از خیرخواهی شما دریغ نورزم؛ بیت‌المال را عادلانه میان شما تقسیم کنم؛ شما را آموزش دهم تا نادان نمانید و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید.^۱

از این‌رو، یکی اهداف کلان و اساسی در حکومت مهدوی کمال روحی و معنوی انسان‌هاست. امام باقر علیه السلام در حدیث مشهوری می‌فرماید: «إذا قام قائمنا وضع يده علي رؤس العباد فجمع به عقولهم و اكمل به اخلاقهم» (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹: ۲ / ۸۴۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۵۲ / ۳۳۶)؛ وقتی قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می‌گذارد. پس عقول آنها را متمرکز می‌سازد و اخلاقشان را به کمال می‌رساند.

۱. *نهج‌البلاغه*، خطبه ۳۴.

پرسش مهم درباره حدیث یادشده این است که آیا شکوفایی اخلاق در جامعه مهدوی به شکل قهری صورت می‌پذیرد، یا فرایند طبیعی و منطقی را طی می‌نماید؟ به بیان دیگر، مراد از شرط و جزای گفته‌شده در روایت با عنوان وضع ید و تکامل اخلاق چیست؟

سخن بر سر این است که با نگاه روش‌شناسی و زبان دینی، آیا این تعبیرات نمادین است، یا اینکه گویای حقیقتی است عملی و تحقق‌پذیر؟ در این باره علامه مجلسی در *مرآت العقول* و سید محمد صدر در کتاب *پس از ظهور* هر کدام دیدگاهی به دست داده‌اند.^۱ به نظر نگارنده، تحلیل کامل‌تر این است که با در نظر گرفتن نگاه تأویلی - که دیدگاه رایج عالمان در تشبیه معقولات به محسوسات است - و همچنین با توجه به دیگر اصول و مبانی طرح‌شده در روایات مهدوی، دست کشیدن بر سر مردم کنایه است از فراهم آوردن بستر عمومی رشد و تعالی انسان‌ها، تا تمرکز عقول و اتحاد رأی صاحب خردان پدید آید. در نهایت پس از تحقق دو رکن فوق، به‌طور طبیعی اکمال اخلاق تحقق خواهد یافت که این حاکی از طی شدن فرایندی انسانی و منطقی با بن‌مایه‌های الهی است.

پیامبر اکرم ﷺ درباره آثار تربیتی حکومت مهدوی می‌فرماید: «بنا یصبحون بعد عداوه الفتنه اخوانا فی دینهم» (سیوطی، ۱۹۵۹: ۱۲۹)؛ به‌واسطه مهدی ماست که مردمان پس از نابودی زشتی‌های فتنه‌آمیز، برادران دینی یکدیگر خواهند شد.

در برخی روایات آمده است: «... ان یصلح امه بعد فسادها» (اربلی، ۱۴۰۱: ۲ / ۴۷۳)؛ او امت را پس از آنکه فاسد شدند، اصلاح می‌کند.

در برخی دیگر از روایات به فراگیری اخلاق به جای حقوق و قانون اشاره می‌شود. برای مثال، در حدیث امام باقر ﷺ آمده: «... حتی اذا قام القائم جائت المزابله و یاتی الرجل الی کیس اخیه فیأخذ حاجته لایمنعه» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۳ / ۱۹۶)؛ وقتی قائم ظهور کند، دوستی و صمیمیت فراگیر می‌شود و فرد از جیب برادر دینی خود به‌قدر نیازشان برمی‌دارد و او مانع نمی‌شود.

در حدیثی دیگر آمده است: «یفتح حصون الضلاله و قلوباً قفلاً» (قندوزی حنفی، ۱۴۱۶: ۲ / ۵۸۸)؛ قلعه‌های گمراهی و دل‌های بسته را می‌گشاید.

پیامبر اکرم ﷺ نیز فرمود: «... لتذهبن الشحنا والتباغض» (نیشابوری، بی‌تا: ۱ / ۹۴)؛ با ظهور مهدی کشمکش و کینه‌ورزی‌ها از بین خواهد رفت.

شایان توجه است مهم‌ترین آسیبی که حکومت‌های بشری امروز را تهدید می‌کند، بی‌توجهی به ابعاد الهی و اخلاقی انسان‌هاست؛ زیرا بیش از هر چیز آنها بر جنبه‌های بشری انسان تمرکز کرده‌اند که

۱. برای آگاهی از دیدگاه این بزرگان بنگرید به اثری از نگارنده در *مجله مشرق موعود*.

پیامدهای سوء فردی، اجتماعی و خانوادگی داشته است. این در حقیقت مهم‌ترین وجه تمایز حکومت سرتاسر الهی با رویکردهای اومانسیستی است.

عدالت‌ورزی

از جمله وظایف حاکم در مقابل مردم و جامعه خویش در حوزه اخلاق معاشرت، فراهم‌سازی مساوات و دادورزی میان آنهاست؛ چه آنکه بیشترین گرفتاری بیشتر از گذشته تاکنون، ظلم‌ها و تبعیض‌های ناروایی بوده که به‌خصوص حاکمان بر مردم روا می‌داشته‌اند. از این روست که همه انسان‌ها در تمام ادیان به انتظار یک منجی نشسته‌اند تا آنها را از وضعیت نابسامان موجود برهاند. این یکی از مهم‌ترین خصیصه‌های دولت مهدوی به‌شمار می‌آید. در متواترین احادیث شیعه و سنی از طرق گوناگون به مسئله دادورزی حضرت اشاره شده است که او جهان را پس از ظلمتی طولانی به ساحلی آرام و دادورزانه خواهد کشاند.

اینکه مراد از عدالت چیست، بحث تفصیلی آن از این مجال بیرون است،^۱ اما به نظر می‌آید که اعتدال در امور وجه مشترک در میان تمامی تعاریف عدالت باشد. امام علی علیه السلام نیز ناظر به مسئله اعتدال و میانه‌روی فرمود: «لاتری الماهل الا مفرطاً او مفرطاً»^۲ از این سخن برمی‌آید که علم و حکمت در گرو متلبس شدن به صفت عدالت است. قانون معروف اعتدال ارسطو نیز بیانگر و مؤید همین نظریه است؛^۳ بدین بیان که از نظر وی هر یک از سه قوه شهویه، غضبیه و ناطقه که به اندازه کار کنند، فضیلت است و افراط و تفریط در آنها رذیلت. به ترتیب در سه قوه فوق حالت اعتدال، افراط و تفریط آنها عبارت است از:

۱. قوه ناطقه: حکمت، سفه، بله؛

۲. قوه شهویه: عفت، شره، خمود؛

۳. قوه غضبیه: شجاعت، تهور (بی‌باکی)، جبن (ترسوئی).

از هماهنگی و اجتماع سه فضیلت حکمت، عفت و شجاعت صفت عدالت پدید می‌آید؛ چنان که اگر دچار افراط شود، ظلم و اگر دچار تفریط شود، مبتلا به انضلام خواهد شد.^۴ امام خمینی در این باره پس از آنکه عدل را به معنای حدّ وسط میان افراط و تفریط معنا می‌کند، می‌گوید: عدالت در مظهریت اسما و صفات، استقامت مطلقه است، و مختص به انسان کامل است که برترین آن حضرت خاتم است که بر حد اعتدال تام است. (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۱۴۸ - ۱۴۷)

۱. بنگرید به این اثر نگارنده: «واکاوی موردپژوهانه اكمال اخلاقی و عدالت‌طلبی در عصر ظهور»، مجله مشرق موعود، ش ۱۴.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۷۰.

۳. منظور او حد وسط ریاضی نیست، بلکه وی معتقد است که حد فضیلت و رذیلت را عقل تعیین می‌کند.

۴. درباره حد وسط ارسطو بنگرید به: اخلاق نیکوماخوسی، ترجمه ع احمدی، ص ۴۵ - ۳۸.

در نتیجه دولت مهدوی دولتی است مبتنی بر حکمت، عفت و شجاعت؛ دولتی که در جنبه‌های فردی و اجتماعی بر گرد عدالت و دادورزی می‌چرخد و خود حضرت محور آن است؛ چنان‌که امام رضا علیه السلام در حدیثی اهل بیت علیهم السلام را مصداق این حد اعتدال می‌داند: «نحن آل محمد النمط الاوسط الذي لا يدركنا الغالي و لا يسبقنا التالي.» (شیخ صدوق، ۱۳۹۸: ۱۱۴)

دولت مهدوی واقعیت و زندگی عادلانه را به تمام معنا برای مردم جلوه‌گر خواهد ساخت و آنان نیز با بصیرت خود، آن را مشاهده خواهند کرد: «فیریکم کیف عدل السیره.»^۱ سپس گستره عدالت است که در مملکت آن حضرت رخ می‌نماید: «ابشروا بالمهدی... یملأ قلوب العباد عبادةً و یسعهم عدله» (شیخ طوسی، ۱۴۱۱: ۱۷۹)؛

بشارت باد به آمدن مهدی! او دل‌های بندگی را با عبادت و اطاعت پر می‌کند و عدالتش همه را فرامی‌گیرد. امام رضا علیه السلام در حدیثی جامعیت عدالت مهدوی را این چنین ترسیم فرمود: هرگاه آن امام خروج کند، زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود و ترازوی عدالت میان مردم برقرار می‌گردد. پس کسی به کسی ستم نخواهد کرد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۵۲ / ۳۲۱؛ شیخ صدوق، ۱۳۹۵: ۳ / ۳۷۲)

اما اینکه آیا عدالت قهری است یا بر اثر فرایندی تطوری و تکاملی در دولت مهدوی پدید خواهد آمد، پیش‌تر در تأویل حدیث امام باقر علیه السلام بدان پرداختیم که چکیده‌اش چنین است: سنت الهی تبدیل و تحویل نخواهد شد و این مهم به تدریج به تکامل خواهد رسید.

افزون بر عدالت قضایی که در سخن امام آمده، نتایج و ثمرات آن مانند تساوی در تقسیم اموال و احیای زمین نیز در بیان معصومین مورد توجه قرار گرفته؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمود: چون مهدی قیام کند، مال را به صورت مساوی تقسیم می‌کند و عدالت را میان رعیت اجرا می‌کند. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۲۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۵۱ / ۲۹) همچنین امام باقر علیه السلام فرمود: «یحییها (الارض) باقائم عج فیعدل فیها فیحیی الارض بالعدل بعد موتها بالظلم» (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹: ۵۹۸)؛ بدین بیان که احیای زمین با عدل مهدوی ناظر به فراگیری و عمومیت آن در تمام زمین است.

اهمیت و حتمیت عدالت در دولت مهدوی به گونه‌ای است که در بیان برخی امامان با تأکید خاصی آمده است. امام صادق علیه السلام فرمود: به خدا قسم! عدالت را در خانه‌های مردم خواهد برد، آن‌چنان‌که سرما و گرما به درون خانه‌ها نفوذ می‌کند. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۵۲ / ۳۶۲) این حدیث بر این نکته دلالت دارد که سلامت اخلاقی و معنوی خانواده در دولت مهدوی، اصلی مهم و اساسی در بهداشت روانی و معنوی جامعه به‌شمار می‌آید.

صاحب‌المیزان در بیان اوصاف دولت عدالت‌محور و دادورز می‌گوید: به حکم ضرورت، آینده جهان

۱. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۳۸.

روزی را دربر خواهد داشت که در آن روز جامعه بشری پر از عدل و داد شده و افراد انسانی غرق فضیلت و کمال می‌شوند و در صلح و صفا زندگی می‌کنند. البته استقرار چنین وضعی به دست خود انسان بوده و رهبر چنین جامعه‌ای، منجی جهان بشری است که به لسان روایات مهدی خواهد بود. (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۳۰۸)

نتیجه آنکه در سخن معصومان علیهم‌السلام از جمله وظایف اخلاقی حضرت مهدی در مقابل تمام هم‌نوعان، فراهم آوردن زمینه زندگی مسالمت‌آمیز و توأم با عدالت و دادورزی است؛ همان‌گونه که امام علی علیه‌السلام در نامه ۵۳ *نهج‌البلاغه* به مالک اشتر، به او توصیه می‌کند که حرمت همه افراد اعم از مسلمان و غیرمسلمان را نگاه دارد.

نتیجه

در پژوهش اخلاق معاشرت مهدوی گفته شد که حرمت‌گذاری به هم‌نوعان، اصلی مهم و اساسی است که در کنار مسئولیت در مقابل خویشتن و در طول مسئولیت در مقابل خدا معنا می‌یابد. این دقیقاً برخلاف تفکر جامعه‌گرایان مغرب‌زمین است که اصالت و هویت را فقط منحصر در جامعه می‌دانند و برای اشخاص، حقیقتی را باور ندارند.

تربیت اخلاقی مردم و عدالت‌ورزی از جمله اجزا و متغیرات مهم اخلاق معاشرت مهدوی است که در این پژوهش مورد بحث قرار گرفت.

در دولت مهدوی تربیت اخلاقی به کمال‌یابی مردم منجر می‌شود. عدالت‌ورزی و مردم‌داری امام مهدی زمینه آرامش روحی مردم و عشق به او را فراهم خواهد آورد.

دستاورد این تحقیق در جامعه امروز این است که حرمت و شرافت نفس انسان‌ها در فضای فردی و اجتماعی اهمیتی بسیار دارد؛ همان‌گونه که علی علیه‌السلام به مالک اشتر فرمود: حتی غیرمسلمانان به‌عنوان یک انسان عزت دارند و مورد احترام‌اند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. *نهج‌البلاغه*.
۳. آرون، ریمون، ۱۳۸۲، *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی*، مترجم باقر پرهام، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۶.
۴. ابن ابی‌الحدید، ۱۹۶۱ م، *شرح نهج‌البلاغه*، ج ۱۱، بیروت، دار احیاء الکتب العربی.
۵. ابن سعد، ابو‌عبدالله محمد، ۱۴۰۵ ق، *طبقات الکبری*، ج ۸، بیروت، دار بیروت للطباعة و النشر.

- ۱۲۲ □ فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌نامه اخلاق، س ۶، پاییز ۹۲، ش ۲۱
۶. ابن شهر آشوب، بی تا، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، قم، مکتبه علامه.
۷. اربلی، علی بن عیسی، ۱۴۰۱ ق، کشف الغمّة، بیروت، دار الکتب الاسلامی.
۸. ارسطو، ۱۳۶۲، اخلاق نیکو ماخوس، ترجمه ع احمدی، در فلسفه اجتماعی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۹. امام خمینی، سید روح الله، ۱۳۷۷، شرح حدیث جنود عقل و جهل، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ ۳.
۱۰. پالس، دانیل، ۱۳۸۲، هفت نظریه در باب دین، ترجمه و نقد محمد عزیز بختیاری، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۱۱. پایگاه اطلاع رسانی حوزه. www.hawzah.net
۱۲. جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، کتاب شناخت اخلاق اسلامی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۳. دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۱۳ ق، ارشاد القلوب، ج ۱، بی جا، شریف رضی.
۱۴. راوندی، قطب الدین، ۱۴۰۹ ق، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسه امام مهدی علیه السلام.
۱۵. سیوطی، جلال الدین، ۱۹۵۹ ق، الحاوی للفتاوی، با توضیحات و حواشی محمد محی الدین عبدالحمید، مصر، السعادة، چ ۳.
۱۶. صافی گلپایگانی، لطف الله، ۱۴۱۹ ق، منتخب الاثر، قم، مؤسسه السیده المعصومه.
۱۷. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۳۶۲، امالی، تهران، کتابخانه اسلامی.
۱۸. _____، ۱۳۹۵ ق، کمال الدین و تمام النعمه، قم، دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. _____، ۱۳۹۸ ق، التوحید، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۰. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۸۷، شیعہ در اسلام، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۲۱. _____، بی تا، روابط اجتماعی در اسلام، ترجمه جواد حجتی کرمانی، تهران، بعثت.
۲۲. طوسی، ۱۴۱۱ ق، کتاب الغیبه للحجه، قم، مؤسسه معارف اسلامی.
۲۳. فقیهی، علی نقی، ۱۳۸۱، مشاوره در آینه علم و دین، قم، جامعه مدرسین، چ ۲.
۲۴. فیض کاشانی، محمد، ۱۳۸۴، المحجة البيضاء، تهران، حسنین.
۲۵. قندوزی، سلیمان، ۱۴۱۶ ق، ینابیع المودة لذوی القربی، تهران، دارالاسوه.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، الاصول من الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

- اخلاق معاشرت در حکومت مهدوی با محوریت دو مؤلفه تربیت اخلاقی و عدالت‌ورزی □ ۱۲۳
۲۷. متقی هندی، علاء‌الدین علی، ۱۴۱۳ ق، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، ج ۱۶، تحقیق بکری حیانی و صفوه سنا، بیروت، مؤسسة الرسالة.
۲۸. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ ق، *بحارالانوار*، بیروت، مؤسسه الوفا.
۲۹. محمدی ری شهری، محمد، ۱۴۰۳ ق، *میزان الحکمه*، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی.
۳۰. محمدی، مسلم، ۱۳۸۹، «واکاوی مورد پژوهانه اکمالات اخلاقی و عدالت‌طلبی در عصر ظهور»، *مجله مشرق موعود*، ش ۱۴.
۳۱. _____، ۱۳۸۹، *مکتب‌های نسبی‌گرایی اخلاقی*، قم، بوستان کتاب.
۳۲. _____، ۱۳۹۰، «ابعاد هویت‌یابی اخلاق دینی با تأکید بر جنبه‌های کارکردگرایی»، *مجله اندیشه نوین دینی*، ش ۲۷.
۳۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۱، *قیام و انقلاب مهدی*، قم، نشر اسلامی.
۳۴. مفید، ۱۴۱۳ ق، *الارشاد*، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۳۵. نراقی، احمد، ۱۳۸۳، *معراج السعادة*، هجرت، قم.
۳۶. نعمانی، ابی عبدالله محمد بن ابراهیم، ۱۳۹۷ ق، *الغیبه*، تهران، مکتبه الصدوق.
۳۷. نوری، ۱۴۰۸ ق، *مستدرک الوسائل*، ج ۱۱، قم، مؤسسه آل‌البتیة لإحياء التراث.
۳۸. نیشابوری، مسلم بن الحجاج، بی‌تا، *صحیح*، مصر، بی‌نا.

